

## عنوان مقاله:

بررسی سیاست منطقه ای ترامپ در جهانی شدن اقتصاد از منظر اقتصاد بین الملل

## محل انتشار:

فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، دوره 12، شماره 47 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسندگان:

حمید رضا کیاست - گروه علوم سیاسی، واحد بین المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران

بهرام یوسفی - استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

حامد عامری - استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

حامد محقق نیا - استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

## خلاصه مقاله:

هدف از این نوشتار بررسی اقتصاد در سیاست خارجی ترامپ از منظر واقع گرایی می باشد. سوال اساسی پژوهش عبارت است از: کارنامه سیاست خارجی ترامپ در اقتصاد بین الملل پس از 4 سال از ریاست جمهوری و از منظر واقع گرایی چگونه بوده است؟ این مطالعات به روش توصیفی تحلیلی به انجام رسیده است. نتایج نشان می دهد، سیاست خارجی ترامپ مبتنی بر منافع محوری بوده چارچوب رویکرد منفعت محوری و ناسیونالیسم اقتصادی را به جهانی شدن اقتصاد بین الملل ترجیح می داد و با دید تردید به جهانی شدن اقتصاد می نگریست. ترامپ اعتنایی به جهانی شدن اقتصاد نداشت، او به بهانه ی ملی گرایی، بعضی پیمان های تجاری را لغو و یا در پی اصلاح آنان بود. ترامپ با ایجاد نظم لیبرال در آمریکا مخالف است و در پی پایان دادن به نظم بوده، به نظر اقتصاد جهانی منفعتی برای آمریکا نداشته و او در پی بازتعریف بنیادین از منافع ملی آمریکا بوده است. سیاست حمایت گرایی ترامپ وضعیت اقتصاد جهان را بدتر می کند. با روی کار آمدن دولت ترامپ، جهت گیری سیاست خارجی آمریکا دستخوش تغییرات محسوسی شده و از بین الملل گرایی لیبرال به ترکیبی از نوانزواگرایی و واقع گرایی تحول یافته بوده است. از مهم ترین شاخص های این نوع جهت گیری، اولویت دادن به اهداف ملی، اتخاذ سیاست های یکجانبه، مخالفت با ایفای نقش رهبری مشروع و مشارکتی آمریکا، عدم تمایل نسبت به جهانی شدن اقتصاد و عدم پایبندی آمریکا به تعهدات اخلاقی و هنجارهای بین المللی بوده است.

## کلمات کلیدی:

اقتصاد، سیاست خارجی، ترامپ، واقع گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1473371>

